

مدیریت مدارس فردا - خانم دکتر حسینقلی زاده ۹۴/۰۲/۰۵

سرکار خانم دکتر حسین قلی زاده : در کلاس مدیریت دانش برای دانشجویان دکتری مدیریت آموزشی، وقتی بحث مدیریت دانش را داشتیم رسیدیم به اینکه نسبت به درک همه تحولاتی که در محیط اتفاق می‌افتد و تأثیر آن روی سیاستهای آموزش و پرورش حساس باشیم. لذا مدیریتِ عدم قطعیت و نااطمینانی های محیطی شاید به عنوان یک تکنیک و مهارت و یا استراتژی که بایستی آموزش و پرورش ما نسبت به آن اتخاذ موضع کند. از این جهت آموزش و پرورش هم فضای بحث را دارا می باشد چون متولی تربیت انسانی است که باید برای فردا آمادگی زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فناوری را داشته باشند. ادبیات این موضوع به آینده نگری و آینده پژوهی برمی‌گردد و در سایر حوزه ها خصوصاً حوزه های سیاسی و نظامی خیلی پر رنگ اتفاق می‌افتد. ما احساس کردیم که آموزش و پرورش نباید بی بهره از این موضوع بماند و لازم است ما سیاست گزاران آموزشی را نسبت به توجه به تحولات آینده که احتمال می رود مدارس ما را دچار تهدید کند و یافرصتهای مغتنمی را برای آنها ایجاد کند حساس کنیم بحث سناریوسازی به عنوان یکی از تکنیک های آینده پژوهی مطرح است که کمک میکند تا بتوانیم شرایط را بیشتر مورد کنکاش و واکاوی قرار دهیم تا شرایط و موقعیت های احتمالی و یا آلترناتیو هایی که می‌تواند اتفاق افتد و پیش بینی های احتمالی و قریب به یقین را مطرح کنیم. خانم ابراهیمی در جهت بیان متدولوژی این بحث را ادامه خواهند داد.

سرکار خانم ابراهیمی: در جهت مطالعه برای مدارس فردا روش شناسی هایی را در نظر گرفتیم تا بتوانیم به این مساله که مدارس فردا به چه جهتی خواهند رفت طبق روندهای تاثیر گذار بر همه نهادهای کشور از جمله نهاد آموزش و پرورش بپردازیم لذا بحث مدارس فردا را با شکل دهی یک سری سناریوها برای بهره گیری از فرصتها و جلوگیری از نقاط ضعف مطرح نمودیم. مواردیکه آموزش و پرورش را تحت تاثیر قرار می‌دهد یکی پیشرفت سریع علم و تکنولوژی است، گسترش فناوری اطلاعات تحت عنوان جهانی شدن، تهدید محیط زیست، اشاعه دمکراسی و افزایش آگاهی های سیاسی و فرهنگی ملل و اقوام و فرقه هاست. جهت پاسخ به سوالات و پیش برد این مطالعه روش شناسی آینده پژوهی استفاده کردیم. سوالاتی مانند اینکه رسالت آموزش و پرورش چگونه باید باشد؟ برای این منظور ادبیات آینده پژوهی را مورد مطالعه قرار دادیم تا برای آینده ای که هنوز اتفاق نیفتاده به صورت علمی سناریوهایی را آماده کنیم. آینده پژوهی از گذشته بوده و تا اکنون ادامه دارد، ذهن انسان به دنبال این بوده که بداند در آینده چه اتفاق خواهد افتاد. در ابتدا جادوگری و پیشگویی یکی از روش های پاسخ به افراد برای پیش بینی آینده بوده است، بعد از آن روش تخیلی - فلسفی جای آن را می‌گیرد یعنی به جای پیشگویی دانشمندانیک سری حدس های عالمانه ای را می‌زنند که روند تخیلی فلسفی نام دارد و سپس روشهای علمی تر به وجود می‌آیند و گذشته و حال را در نظر گرفته و بر اساس آن آینده را پیش بینی می‌کنند، این در نظر گرفتن نظریه زمان (پیوستگی گذشته، حال و آینده) روش تحلیلی-فلسفی را شکل می‌دهد و روشهای امروزی ما بیشتر بر اساس سناریو سازی (اینکه ما آینده قطعی و یکسانی نداریم بلکه آینده های احتمالی متفاوت خواهیم داشت) است. اینکه ما از چه رویکردی در آینده نگری استفاده کنیم بستگی به هدف مطالعه ما دارد و اینکه میخواهیم چه هدفی را دنبال کنیم و به چه سئوالی پاسخ دهیم. آینده نگری تحلیلی در عرصه خاص پاسخ به این پرسش است که چه رویدادی اتفاق خواهد افتاد؟ (به عبارت بهتر اتفاق افتادن کدام رویداد محتمل تر است؟) اما آینده نگری نظری می‌گوید چه اتفاقهایی می‌توانند در آینده رخ دهند و آینده نگری مشارکتی نیز می‌گوید چه اتفاقهایی باید رخ دهند. ما رویکرد اول را انتخاب می‌کنیم (آینده نگری تحلیلی) زیرا هنوز در

برابر آینده قرار نگرقتیم. با توجه به عوامل فراوانی که تاثیرگذار در آموزش و پرورش هستند و حساسیتیکه آموزش و پرورش دارد، لذا ما رویکرد تحلیلی را انتخاب می‌کنیم چون آینده های متفاوتی ممکن است اتفاق افتد. از جنبه نظری وقتی در حال آینده نگری هستیم یک نظریه را برای آینده گسترش می‌دهیم که مثلا عوامل یک، دو، سه باعث می‌شود این اتفاق رخ بدهد یعنی دیدگاه علی- سببی داریم که تعیین کنیم چه اتفاقی می‌افتد. اما در آینده نگری تحلیلی، ما در حال بررسی احتمالات هستیم، یعنی احتمالات ما به طور حتم علی- سببی نیستند، ممکن است اتفاق بیفتد و یا آلترناتیوهای دیگری داشته باشند. چرا؟ چون عوامل بسیاری تاثیر گذراند. نمی‌شود مثل یک نظریه چند عامل را مشخص کرد و بگوییم بر این اساس آن اتفاق می‌افتد.

سرکار خانم دکتر حسینقلی زاده: بحث آینده نگری تحلیلی این است که در حوزه خاصی چه اتفاقاتی محتمل تر است و هنوز پیش بینی ما قطعی نیست اما در آینده نگری نظری تمرکز بیشتر روی نگاه فلاسفه در حوزه خاصی است که نگاه خیلی دوراندیشانه است و وقوعش می‌تواند حتمی باشد، لذا در آینده نگری نظری بحث فلسفه هر علمی در حوزه خاص مطرح می‌شود و اینکه شرایطی را آماده کنیم که آن اتفاق بیفتد ولی در آینده نگری مشارکتی مثلا در تدوین سند شما مطمئن هستید این اتفاقات باید بیفتد و ناظر به یک اقدام طراحی و ساخت آینده است که ما سند تحول آموزش و پرورش را داریم و بر پایه این آینده نگری مشارکتی اقدام به تدوین سند شده است که بایستی مدارس فردای ما در این مسیر قرار گیرند. اما همان طور که به سطح تحلیلی می‌رسد ما صرفاً گزینه هایی را که احتمال می‌رود بر پایه آن محرک ها عوامل کلیدی موثر بر پیشران هایی که از دیدگاه کارشناسان حوزه خاص شناسایی کردیم و احساس می‌کنیم می‌تواند سرنوشت خاصی را رقم زند (بر پایه رویدادهای احتمالی)، از این جهت چون تجربه قبلی وجود نداشته، غیر از آنچه یونسکو پیش بینی هایی را انجام داده لذا آینده نگری تحلیلی را انتخاب کردیم. آینده نگری تحلیلی را با نگاه تحلیل روندها و اثرات متقابل آنها روی همدیگر و تاثیر بر روی شکل و ساختار مدارس معرفی می‌کنیم. اولین گام در سناریو سازی شناسایی پیشران ها که می‌توانند فشار وارد کنند که احتمال می‌رود مدارس ما به سمت آن هدایت بشوند. ما سعی می‌کنیم ماتریسی را ترسیم کنیم به عنوان تکنیک تحلیل داده ها، مصاحبه گروهی را پیش بینی کردیم تا بتوانیم از طریق پژوهشکده تعلیم و تربیت عباس زادگان، جمعی از مدیران و معلمان علاقمند را دعوت کنیم که آنها بر اساس آنچه که در فرایند آموزش و مدیریت مدارس با آن درگیر هستند و با توجه به اهمیت شرایط آینده برای ایشان و اینکه از نزدیک درگیر سیاست های آموزش و پرورش هستند تحلیل روندهای علمی را از نگاه متخصصان بررسی خواهیم کرد.

دکتر سعیدی: آیا روندهای اثر گذار را فقط روندهای جهانی می‌دانید؟ آیا روندهای منطقه ای و ملی را در بر می‌گیرد یا فقط روندهای جهانی است؟

دکتر حسینقلی زاده: بحث آموزش و پرورش آینده نگر که توسط آقای دکتر رحمان سرشت کار شده بود و روندهایی را که می‌تواند روی نظام آموزش و پرورش اثر گذار باشد را معرفی کرده بود با نگاه کلی و عام، لذا ما شناسایی روندها را هم به عهده متخصصان گذاشتیم. ما نمی‌توانیم صرفا این روندها را تحلیل کنیم اما بازخوردهایی که از متخصصان خواهیم گرفت به ما کمک می‌کند تا ببینیم چه روندهایی می‌تواند بیشترین تاثیرات را روی آموزش و پرورش بگذارد و یا می‌توانیم آنها را اولویت گذاری کنیم. مثلا وقتی بحث تکنولوژی مطرح می‌شود تکنولوژی مرز نمی‌شناسد یا بحث جهانی شدن هم همین طور یکی از الزامات آینده پژوهی نگاه به گذشته و حال است، و قتی گذشته را نگاه می‌کنیم نظام آموزش و پرورش ما، ساختار و شکل و سبک مدیریتش برگرفته از تجربه های خارجی بوده و هیچ تجربه ملی باستانی و دینی نداشتیم. اینکه خودمان یک سبک مدیریت مدرسه داشتیم (مکتب خانه

ها را به عنوان یک دستاورد ملی کنار گذاشتیم) یا نگاهی به تحلیل روندهای سیاسی داخل و خارج داشته باشیم و بحث فرهنگ که مقوله مهمی است که باید موضع متخصصان را در این بحث مورد توجه قرار دهیم، لذا این مرحله ناظر به شناسایی روندها با رجوع به متخصصان خواهد بود و در مرحله بعدی ذیل هر کدام از روندها، اینکه چه تاثیری می‌تواند در آموزش و پرورش ما داشته باشد یا بحث جریانهای علمی، مثلا در حوزه برنامه ریزی درسی ببینیم الان چه تحولاتی در حوزه برنامه ریزی علمی دارد اتفاق می‌افتد که می‌تواند بعدها شکل و محتوای مدارس و آموزش و پرورش را متحول کند.

دکتر سعیدی: پس روندهای جهانی از این جهت آمده که معتقدید روندهای جهانی بر روندهای ملی تاثیرات خیلی مشخصی گذاشته، و اکثریت مطلق تحولات نظام آموزش ما ظاهرا ملی بوده ولی عملا از بیرون آمده، یک قطب علمی بومی سازی برنامه درسی توسط آقای دکتر ملکی تاسیس شده که صرفا روی برنامه های درسی چگونه اسلامی یا بومی شوند کار می‌کند و حتی برخی موارد که در پزشکی سنتی ما مطرح بوده را در برنامه درسی بازیابی می‌کنند. البته ممکناست وقتی با افراد مصاحبه می‌کنید به عنوان یک صاحب نظر بخواهید نظر خودشان را بگویند ولی می‌پذیرید که با توجه به اینکه تکیه بر مصاحبه با صاحب نظران است انتخاب این صاحب نظرن مهم است. در یک جهت گیری کلی ما نیاییم فقط بگوییم روندهای جهانی چون روندهای ملی خیلی قوی تاثیر گذار وجود دارد که با روندهای جهانی سر سازش ندارد. گاهی ما بهچیزی بار ارزشییه آن می‌دهیم وقتی می‌گوییم تهدید محیط زیست یعنی قبول کردیم محیط زیست مقدس است و تهدیدش نامقدس و کار نادرستی است. وقتی می‌گوییم اشاعه دمکراسی منظور شما این است که جهان دموکراسی را اشاعه می‌کند، آیا این اشاعه دمکراسی با این چیزهایی که در این سالهای اخیر می‌بینیم که نظام قلدری جهانی چکار می‌کند، واقعا در طول تاریخ چنین وضعیتی بوده که یک قدرتی خیلی راحت بگوید من نه به سازمان ملل کار دارم و نه به جای دیگر. نمی‌خواهم به بحث انواع دمکراسی وارد شوم، آیا فارغ از جهت گیری ارزشی می‌شود دنبال این کار رفت؟

دکتر حسینقلی زاده: ما باید برای روند ها سطح فائل شویم مثلا یک وقت هست ما در یک شهر مقدسی زندگی می‌کنیم به خاطر پر رنگ بودن وجهه دینی انتظار می‌رود سناریوی مدرسی که در سطح ملی خواهیم داشت به این شکل باشد، لذا موضع ما بیطرفانه خواهد بود تا ببینیم گرایشها و روندها چه می‌گویند.

خانم ابراهیمی: در مورد فارغ از ارزش بودن یا اینکه بحث های ارزشی را باید آورد یا نه، مطالعات آینده نگری در منابعی که دارد اعلام می‌کند آینده نگری و آینده پژوهی به این دلیل انجام می‌شود که بطور مثال ما به عنوان افرادی با ملیت ایرانی می‌آئیم آینده نگری می‌کنیم تا ارزشها و باورهای خودمان را در برابر تحولات و یا تهاجم چه بگوییم که این تحولات به سمت کشور ما که نسل آینده ما را گرفتار می‌کند، یا بگوییم نه، تهاجم نکات مثبتی دارد و می‌تواند فرصتی برای ما باشد، می‌خواهیم ارزشهای خودمان را بالا بیاوریم و سناریوهایی را بر اساس ارزشهای خودمان تعریف کنیم که چطور با اینها برخورد کنیم که مبانی و ریشه هامان زیر سؤال نرود، ضمن اینکه بتوانیم از فرصت هایش استفاده کنیم.

دکتر سعیدی: خانم دکتر گفتند سناریوهای تجویزی نداریم فقط توصیف آینده است.

خانم ابراهیمی: نمی‌خواهیم توصیف آینده را فارغ از ارزشهای خودمان انجام دهیم، اگر به سراغ متخصصان تعلیم و تربیت می‌رویم چون می‌خواهیم باورها و ارزشهامان را استخراج کنیم و در توصیف خود بگنجانیم. به هر حال ما یک سناریو را تعریف می‌کنیم.

دکتر باغکلی: یک وقت بحث پیشران ها است و روندهایی که در جهان اتفاق می افتد مثلا جهانی شدن یک روند است که ما نمی توانیم جلوی آن را بگیریم، فناوری علمی و اطلاعات چیزهایی است که ما نمی توانیم جلوی آن را بگیریم اما در نهایت " ما چه ارزشهایی را می خواهیم داشته باشیم؟" این مرحله ای از کار است. در مرحله ای بگوییم این روندهای موجود است، حال ما چه می خواهیم؟ حالا در این روند موجود اگر ما چیزهایی را می خواهیم چطور باید عمل کنیم. مثلا در یک طرف روند جهانی شدن و از طرف دیگر بحث ثبات دیدگاه های دینی را می خواهیم باید کاری بکنیم برنامه ای برای آینده داشته باشیم.

دکتر حسینقلی زاده: دستور کار ما نخواهد بود. فلسفه سناریو سازی برای آگاهی بیشتر سیاست گزاران نظام آموزشی است یعنی از خروجی کار ما استفاده می کنند و تحلیلی در مورد آن داشته باشند و می تواند به عنوان یک دستاورد و خروجی این کار مورد توجه قرار گیرد. ۲۴

دکتر باغکلی: مثلا شما می گوید در سناریوی شماره یک وضعیتی است که قدرتهای جهانی حاکم می شوند و جهانی شدن را با این ادبیات توسعه خواهند داد، سؤال این است که در این سناریو ما چکار می کنیم؟

دکتر حسینقلی زاده: به عنوان یک راهکار و پیشنهاد نهایی برای ورود به سیاست گذاری می تواند اتفاق بیفتد اما اینکه ما از ابتدا نگاهمان را متمرکز کنیم که کدام سناریو بیشتر بالا بیاید یا جهت گیری مان را نشان دهیم خیر،

دکتر باغکلی: ما می توانیم بگوییم در آینده این ۵ وضعیت می تواند وجود داشته باشد حال سناریوی عملکردی ما برای شرایط شماره یک تا ۵ اینهاست. گاهی باید سناریو را تجویز کنیم.

دکتر حسینقلی زاده: یک جا توصیف است و ما توصیف می کنیم، اجازه می دهیم هر سناریو که ممکن است بالا بیاید، در مرحله دوم با در نظر گرفتن وضعیت موجود خودمان تحلیل می کنیم ، گاهی ما یک سناریو برای مدارس مشهد ارائه می دهیم یعنی با در نظر گرفتن ویژگیهایی که می تواند داشته باشد لذا دو بخش توصیف و تحلیل می تواند داشته باشد.

دکتر سعیدی: همین الان مدارس داریم که از بقیه مدارس جلوترند. بعضی جنبه تکنولوژیکی دارند و بعضی ها از جهت رویکرد تربیتی با مدارس دیگر متفاوتند. مثال ذکر می کنم : مدرسه است در مسجد صنعتگران این مدرسه تابلو ندارد حتی امتیاز هم نگرفته، از قانونی که در مدارس برای امتحانات متفرقه دارند استفاده شده. خانواده هایی که دوست داشتند بچه هاشان با ارزشهای مذهبی آموزش ببینند فرزندان شان داخل مسجد دوره می بینند، پدرها برای پسرها هفته ای یک جلسه را باید بیایند استاد ببینند، آقای صرافان می گفتند می خواهیم مدرسه ای داشته باشیم که پدر و مادر معلم بچه هایشان باشند. ایشان گفتند بعضی وقتها موفق شدیم و بعضی پدرها وقت می گذارند و در محیط مسجد از امکانات پدرها برای آموزش بچه های دیگر هم استفاده می کنند، به در هم تنیدگی تربیت دینی و حرفه ای و فنی خیلی اعتقاد دارند تا بچه کارآمدی درست کنند. مدرسه دیگری که ۱۲ سال پشت سر هم ۳۰ دانش آموز را می گیرند و با اینها کار می کنند و ۱۲ سال دیگر یک گروه دیگر را می گیرند. الان هم بعضی مدارس ما به شکل معنا داری با بقیه فرق می کنند.

دکتر جاویدی: با توجه به اینکه به نظر می آید منابع مطالعاتی تان منابع خاصی است، مصاحبه شونده های شما هم آدم های مشخصی هستند ، بعد چطور از منابع خاص و آدم هایی که مصاحبه می کنید سناریوهای متعدد ایجاد می شود؟ آیا این سناریو با

نظر به آن محورهای مدارس آینده است؟ این نمی‌شود هر محور را به عنوان یک سناریو تعریف کنیم چون خود سناریو همه چیز را در دل خودش با هم دارد.

دکتر حسینقلی زاده: بحث سناریو را ما فاکتور گرفتیم، چون در ضمن آن می‌گوید شما آلترناتیوهای متعددی را باید در نظر بگیرید و یک سناریوی تنها بالا نمی‌آید چون در فرایند سناریو سازی احتمال را مبنا می‌گیرید و احتمال می‌رود این باشد، دیگری هم باشد لذا از آنجا که عوامل کلیدی موثر متنوع هستند در ماتریس قرار می‌گیرند چون به شکل ماتریس است اثرات متقابلش هم یک تکنیک در بحث آینده پژوهی مطرح شده و کار شده، نرم افزار خاص خودش را دارد که ما اگر قادر باشیم آن ماتریس را تهیه کنیم بعد از اثرات تعاملی و متقابل هر کدام از این پیشران ها می‌تواند یک سناریو بیرون بیاید، (یک پیش فرض است) ممکن است یک سناریو بالا بیاید یا اینکه چندین سناریوی متنوع باشد که ما باید همه سناریوها را گزارش کنیم. چگونگی آن ناظر بر مراحل انجام کار است که کار ما مبتنی بر تحلیل روندها است نه از زبان خودمان، چون در مطالعه قبلی که دوستان دانشجوی دکتری کمک کردند ما منابع را ببینیم که ماتریس هایی که دادیم ناظر بر مطالعه منابع بود. آنچه از این رویکرد اکتشافی ما حاصل شود با آنچه در منابع و اسناد مختلف و مقالاتی که کار کردند نمونه ای که نشان دادیم از روندهای اثر گذار کار روی یک مقاله مروری بوده که مطالعه کردیم می‌توانیم تطبیق دهیم با آنچه در اینجا گفته شده ولی تمرکز اصلی مان ناظر به رویکرد اکتشافی باشد نه اینکه بگوییم یونسکو چه گفته یا دیگری در پیش بینی خودش از آینده مدارس چه گفته است، می‌خواهیم صرف نظر از آنچه دیگران گفتند در جامعه داخلی مان به لحاظ علمی؛ فرهنگی و فرهنگ خودمان در سطوح مختلف جهانی، ملی و محلی سناریوها را استخراج کنیم.

دکتر جاویدی: چطور می‌توان از منابع اطلاعاتی واحد و پژوه های واحد که در مجموع اطلاعاتی بدست می‌آوریم می‌توانیم طرح های متعدد داشته باشیم؟ در این مواردی که مطرح کردید: روندهای علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فناوری، با نظر به اینکه ما در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم و تأکیدی که دکتر سعیدی داشتند روی جنبه های دینی وجود دارد، جایگاه قلمرو دینی به طور مشخص در اینجا لحاظ نشده، آیا ما فرهنگ را مساوی با دین تلقی می‌کنیم که نمی‌شود، فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی دقیقاً در یک مسیر نیست. چه بسا دو گروه عمده را می‌توانیم تشخیص بدهیم که بعضی به ایرانی بودن خودشان افتخار می‌کنند و ایرانی بودن را در اولویت قرار می‌دهند و گروه بعدی کسانی هستند که اسلامی - ایرانی بودن خودشان را، یعنی گرایش اسلامی و دینی مقدم بر ایرانی بودن خودشان است. قاعدتاً این دو قلمرو را باید از همدیگر تفکیک کنیم و نمی‌تواند در قالب فرهنگ تعریف شود با نظر به اینکه در اینجا مردم شاخه های متعدد و گرایشهای متعدد پیدا می‌کنند. مطالعه ای که در مورد روندهایی که تا کنون مطرح شده را آوردید باز ما اگر با یک رویکرد فلسفی و دینی بخواهیم نگاه کنیم مثلاً در مورد نظریات مارتین هایدیگر نظرات فراوان دارند که این پیشرفت سریع تکنولوژی فقط مد نظر است؟ یا نوع و نحوه استفاده از آن؟ و اینکه در جامعه امروز علم و تکنولوژی به عنوان یک هدف دیده می‌شود در حالی که علم و تکنولوژی یک ابزار و وسیله برای رسیدن به هدف است، بنابراین جایگاه اینها باید به چه صورت باشد؟ یا بحث جهانی شدن، یک دانشجوی دکتری من دارد روی این موضوع کار می‌کند، جهانی شدن از منظر اسلامی و دینی و نظر قرآن و فقه و علامه طباطبائی بررسی می‌کند، به ویژه بحث محیط زیست به عنوان یکی از آیتم هایی است که ایشان تمرکز کرده، اسلام و قرآن حرف دارد در مورد اینکه ما چگونه باید با محیط زیست تعامل کنیم و این را به عنوان یک موهبت الهی قدر بدانیم. یا در ارتباط با مساله دموکراسی، این دموکراسی با جلوه ها و شکل هایی که در جهان ارائه

می‌شود اصلا مد نظر نیست. در واقع قدرت در لباس دمکراسی است، نه دمکراسی با آن الفبای واقعی که خودش دارد. البته افرادی که مصاحبه می‌کنید و منابعی که مطالعه می‌کنید بستگی دارد چه مولفه‌هایی را برای اینها در نظر می‌گیرند، اما آنچه من استنباط می‌کنم از بحث دمکراسی یعنی تربیت شهروندهایی که به صورت آگاهانه و عاقلانه و فعالانه در اداره مملکت شان نقش جدی دارند. اگر بخواهیم فرا دینی به اینها نگاه کنیم خیلی متفاوت است با اینکه در دل تعالیم دینی و اسلامی بخواهیم نگاه کنیم و قاعدتا دیدگاه دینی و اسلامی واقعا برای ما اهمیت دارد و محوری است به عنوان اینکه ما مسلمانیم و آرزوی ما این است خودمان و دانش آموزانمان در مسیر فعالیت‌های دینی قرار بگیرند، شهروند دینی، الهی و معنوی شوند. شاید در پاسخ به سئوالی که پرسیدند این گرایش‌های دینی جایگاهش کجاست؟ یک پاسخ ذهنی که من داشتم این بود که شاید این را به عنوان یک چتر شما دارید می‌بینید یک محوری که همه محورهای دیگر را در درون خودش جای می‌دهد. چون ما به دین یک نگاه فراگیر داریم. بنابراین فرق نمی‌کند شهر مذهبی است (مشهد است) یا اهواز است و دور از مراکز مقدس است. اصلا فرقی نمی‌کند، ما همین که در یک جامعه اسلامی ایرانی زندگی می‌کنیم این برای ما به عنوان یک سند محکم و مقدسی است. اگر این را به عنوان پژوهشگر نبینیم و به آن بها ندهیم، این سناریوی ما در نهایت معنوی و دینی نخواهد شد. اگر چه تحقیق علمی است ولی ما باید در نظر بگیریم که این تحقیق دارد به این منظور صورت می‌گیرد که می‌خواهد خدمتی انجام دهیم و به هر حال ما می‌خواهیم شهروندان دمکراتیک دینی تربیت کنیم. نکته دیگر در اینجا جایگاه خود دانش آموز هم باید دیده شود. مندر رساله دکتری که انجام دادم، برنامه درسی پیشنهادی من curriculum negotiated بود. دانش آموز در اینجا به عنوان یک کرسی دیده شده، اگر ما کرسی‌های مختلفی در طراحی برنامه درسی در نظر بگیریم، یک کرسی را من برای دانش آموز تعریف کردم. بنابراین دانش آموز به عقیده من باید دیده شود. یک محور ما خود دانش آموزان هستند که باید مصاحبه و گفت و گو شود، تنها معلمین و متخصصین کفایت نمی‌کند.

دکتر حسینقلی زاده: پیشنهاد خانم دکتر خیلی خوب بود که ما این گرایش‌های بومی و دینی خودمان را هم داشته باشیم هر چند در ذهن خود ما هم بود که در یک محور خاص بر روی دین متمرکز شویم، اینکه بعد فرهنگی مبتنی بر دین یا سیاست دینی یا اقتصادی دینی را نبینیم خیلی بد خواهد شد. اینکه ما متخصص را توجیه کنیم که به مقوله فرهنگ از سطوح مختلف در سطح جهانی و ملیو منطقه ای می‌توانیم نگاه کنیم که می‌تواند از منظر بین المللی باشد، از منظر اسلامی نیز همینطور یعنی اگر سراغ متخصصان دین می‌رویم آنها آن قسمت پر رنگش را خواهند دید و هم چنین متخصصان سایر علوم شاید گریزی زده باشند به بحث‌های علمی که در دنیا و نه فقط در ایران دیده شود. ضمن اینکه "اثرات تعاملی که کدام سناریو بالا خواهد آمد و الویت خواهد شد؟" خوشبختانه ماتریسی که پابلوت تهیه کرده بودیم بر اساس مطالعه اسناد نشان می‌داد خود به خود بدون اینکه ما بیاییم این اثرات تعاملی را بگوییم خودش خودنمایی می‌کند. مثلا وقتی بحث اقتصاد می‌شود اقتصاد در بحث فرهنگ هم خوش را نشان می‌دهد، یا وقتی بحث فرهنگ می‌شود در سیاست هم خودش را نشان می‌دهد. این نقطه مثبتی بود که ما را خوش بین کرد که جاهایی اثرات تعاملی دارد وارد می‌شود و در هم تنیدگی سناریوها جایی که بیشترین تاثیر را روی فرهنگ، اقتصاد و سیاست داشته باشد دیده می‌شود.

دکتر جاویدی: کسانی که شما با آنها مصاحبه می‌کنید (متخصصان تعلیم و تربیت) اگر مرور اجمالی کنیم چند درصد از اینها واقعا به آن مقام علمی و دینی رسیدند؟ و ما به یک اطمینان خاطر برسیم که آنها مثل من نوعی به عنوان چتر به‌دین‌نگاه می‌کند و چه

بسا این را از نظر دور دارد و کلامش ناظر به این است که آموزش و پرورش مطلوب باید در چه وضعی قرار گیرد به لحاظ اقتصادی علمیو غیره، اگر آن را در سؤال های خودمان نبینیم چتر مغفول خواهد ماند. شما می‌گویید ما از متخصصان دینی هم سؤال خواهیم کرد، آیا این متخصصان دینی به نسبت متخصصان که در حوزه تعلیم و تربیت هستند و هیچ اطمینانی وجود ندارد که اینها اعتقاداتشان، اعتقادات دینی و معنوی صد در صدی باشد. من فکر می‌کنم به صورت پر رنگ بایستی دیده شود حالا در سئوالات تان یا نسبت مصاحبه شوندگان تان، ما افراد زیادی را داریم که هم تخصص تعلیم و تربیت دارند هم تخصص دین دارند.

دکتر باغلی: شما از مصاحبه شوندگان چه می‌پرسید؟ آیا درباره روندها اظهار نظر می‌کنند، می‌خواهند در مقابل اینکه ما چه کنیم در برابر این روندها اظهار نظر کنند؟

دکتر حسینقلی زاده: اول اینکه چه روندهایی وجود دارد و این روندها چه اثری می‌تواند روی آموزش و پرورش ما در آینده داشته باشد. مثلاً ما از خانم دکتر بیرسیم به نظر شما در حوزه تخصصی شما روندهایی که می‌تواند موثر باشد در نظام آموزش و پرورش و به نظر می‌رسد در آینده نظام آموزشی و شکل و شمایل مدارس ما را دگرگون کند چیست؟ خانم دکتر بگوید یک برنامه درسی به‌این شکل دارد نوشته می‌شود و مورد توجه واقع شده، سؤال ما کلی خواهد بود ناظر بر توصیف است، اینکه در مرحله بعد موضع ما چه می‌تواند باشد فعلاً نمی‌توانیم نظر بدهیم.

دکتر باغلی: شما بالاخره می‌خواهید بگویید این چندروند مهم هستند، باید توافقی بین کسانی که مصاحبه می‌شوند وجود داشته باشد. من فکر می‌کنم در بین جامعه متخصصان یک توافقی حاصل می‌شود که ما بطور مثال ده تا پیشران داریم که می‌توانند در روندهای آینده اثر گذار باشند ولی ما با هم توافق می‌کنیم که این دو پیشران اثرهای بیشتری دارند.

دکتر حسینقلی زاده: ما در تکنیک دلفی اشاره کردیم در بحث شناسایی پیشران ها که ما تمامی اعضای پنل مان را یک فراخوان بزنیم که مهم ترین پیشران های موثر چه خواهند بود و این را در رفت و برگشت های مختلف که می‌تواند باشد، علمی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی برای هر کدام از اینها جزئی تر باشد. توافق نیست امامشترکاتی را می‌تواند برساند.

دکتر باغلی: من می‌گویم روش دلفی شاید روش مناسبی برای رسیدن به توافق نباشد.

دکتر حسینقلی زاده: اگر پیشنهاد مناسبی دارید ارائه کنید.